

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال شانزدهم، شماره شصت و یکم، بهار ۱۴۰۳، ص ۳۸-۱۷

## اخلاق حرفه‌ای لشکریان در روضه العقول

معصومه بویری<sup>\*</sup>، مریم محمودی<sup>\*\*</sup>، پریسا داوری<sup>\*\*\*</sup>

 DOI: 10.71630/parsadab.2024.1028692

### چکیده

اخلاق حرفه‌ای رشته‌ای جدید از علم اخلاق است که با مبانی ارزشی و اعتقادی، ارتباط نزدیکی دارد. هر شغل و حرفه‌ای مناسب با خود، مسئولیت‌های اخلاقی خاصی ایجاد می‌کند و اخلاق حرفه‌ای با توجه به راهکارهای سالم‌سازی ارتباطات این زمینه نقش مهمی دارد. این مقاله با هدف بررسی اخلاق حرفه‌ای لشکریان در روضه العقول و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی نوشته شده است. روضه العقول از جمله کتب نشر فارسی و تحریر دیگری از مربیان نامه است که محمد بن غازی ملطیوی در قرن ششم تألیف کرده است. یکی از موضوعاتی که در این کتاب به روشنی تبیین شده، جایگاه و اهمیت لشکر و نیروهای لشکری در حکومت و بین طبقات مختلف جامعه است که می‌توان اخلاق حرفه‌ای این قشر از جامعه آن روزگار را از آن استخراج کرد. پرسش‌های اصلی این تحقیق این است که لشکر

\* دانشجوی گروه دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران  
masoumeh.boveyri@gmail.com

\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران (نویسنده مسئول)  
m.mahmoodi75@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران  
Parisa.davarii@gmail.com

و لشکریان در روضة العقول چه جایگاهی دارند و به کدامیک از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای لشکریان در آن اشاره شده است؟ یافه‌های این پژوهش حاکی از آن است که صلح طلبی و پیشی نگرفتن در جنگ، داشتن تعهد و تخصص، صبر و استقامت و تحمل شدائید، رعایت سلسله‌مراتب و اطاعت از مافوق، آگاهی و آمادگی در برابر دشمن، یاریگری، وفاداری، شجاعت، پرهیز از شبیخون زدن و پرهیز از غارت، از جمله اصولی است که در اخلاق حرفه‌ای لشکریان در روضة العقول مورد توجه قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** متون نثر، روضة العقول، اخلاق حرفه‌ای، لشکر.

#### ۱. مقدمه

اخلاق جمع کلمه «خلق» در اصل، «ملکاتی است که در نفس انسان حاصل می‌شود و بر سلوک و رفتار او تأثیر می‌گذارد؛ یعنی به اعمال انسان در زندگی جهت می‌دهد. اخلاق، حالتی درونی است که آن را از کردار و رفتار فرد کشف می‌کنیم» (زمانی فریزه‌ندي، ۱۳۸۱: ۷۱). اخلاق را به انواعی تقسیم کرده‌اند؛ از جمله: اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق خانواده و اخلاق حرفه‌ای. این تقسیمات اخلاق، متناسب با ارتباطات و موقعیت‌های مختلف انسان است. او در ارتباط با افراد و شرایط مختلف، در خانه، در جامعه و یا در موقعیت‌شغلی خود، رفتار و سلوک متفاوت دارد.

پیوند اخلاق و حرفه قدمت زیادی دارد و همه اندیشمندان و فیلسوفان و حکیمان بر آن تأکید کرده‌اند. علم اخلاق قرن‌ها قبل از میلاد مسیح در مشاغل و حرفه‌های گوناگون وارد شده است. اولین قانون تدوین شده درزمینه اخلاق حرفه‌ای به سوگندنامه پزشکی بقراط در یونان باستان برمی‌گردد که در آن وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی پزشکان مشخص شده بود (حسینیان، ۱۳۹۹: ۱۲). اخلاقیات والا و مثبت، باعث ایفای نقش سازنده و مثبت در شغل و حرفه افراد می‌شود و در برابر بروز اخلاقیات منفی همچون بخل، طمع، بی‌انصافی، تحقیر دیگران و غرور و تکبر، تعهد و مسئولیت حرفه‌ای رنگ می‌باشد.

اخلاق حرفه‌ای «Ethics Work» یا «Professional Ethics» به معنای اخلاق کار و اخلاق مشاغل به چالش‌ها و معضلات اخلاقی شاغلان در یک حرفه اختصاص دارد. «نخستین و

مهم‌ترین وظیفه اخلاق حرفه‌ای، رشد و توسعه قوانینی مبتنی بر اخلاق در شغل مورد نظر است» (همان: ۲۴). در واقع اخلاق حرفه‌ای در پی «تبیین مبانی، الزامات و مسئولیت‌های اهل حرف و صنایع است؛ مسئولیت‌های فرد در قبال خود و دیگران در زندگی شخصی، مسئولیت‌های فرد در قبال خود و دیگران در زندگی شغلی و همچنین، مسئولیت‌های فرد در قبال صنف و سازمان در قبال محیط بیرونی» (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). بدین ترتیب می‌توان گفت اخلاق حرفه‌ای مجموعه قوانین اخلاقی است که «در وهله اول، از ماهیت حرفه یا شغل به دست آمده است. اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت اخلاقی فرد از حیث شغل است. پژوهش به عنوان شخص حقیقی، مسئولیت‌های اخلاقی دارد. مسئولیت‌های اخلاقی او برخاسته از شغلی است که بر دوش گرفته است؛ به گونه‌ای که اگر شغل دیگری می‌پذیرفت، مسئولیت‌های اخلاقی وی تغییر می‌کرد. هر شغلی به اقتضای حرفه‌ای، مسئولیت‌های اخلاقی خاصی می‌آفریند. اخلاق در این مفهوم، شغل وابسته است که بر حسب تنوع مشاغل، اخلاقیات خاصی را موجب می‌شود» (همان: ۱۷۲). ژکس اخلاق حرفه‌ای را از شعبه‌های جدید اخلاق می‌داند که می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ دهد و برای آن، اصولی خاص متصور است. از سوی دیگر این اخلاق در برگیرنده مجموعه‌ای از احکام ارزشی، تکلیف‌های رفتار و سلوک و دستورهایی برای اجرای آن هاست (ژکس، ۱۳۵۵: ۹۲). بنابراین اخلاق حرفه‌ای متصمن موفقیت و پیشرفت در امور مربوط بدان حرفه است. در اینجا با پیوند عمیق اخلاق و موفقیت امام علی(ع) فرموده‌اند: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةً وَ لَا نَخْشِي نَارًا وَ لَا ثَوَابًا وَ لَا عِقابًا لَكَانَ يَبْتَغِي لَنَا أَنْ نُطَالِبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدْلِلُ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ»؛ اگر ما امیدی به بهشت و ترسی از دوزخ و انتظار ثواب و عقاب نمی‌داشتمیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ چراکه آن‌ها راهنمای رستگاری هستند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۹۳).

در تمدن ایرانی-اسلامی آثار بسیاری وجود دارد که با پشتونه فرهنگی و دینی بسیار قوی در آن‌ها، به آداب و سنت و اخلاق حرفه‌ای مشاغل پرداخته شده است؛ فتوت‌نامه‌ها از این قبیل‌اند. در فتوت‌نامه‌ها «از آمیزش ضروریات و تجربیات فرهنگی چندهزار ساله ایران و اسلام، در آین فتوت پیشه‌وران ایرانی، مکتبی جامع به وجود آمده است که از نظر ارج نهادن

به کار، نوع دوستی و طبیعت دوستی و همکاری، قابل مقایسه با هیچ مکتب و مسلکی در زمینه کار و تقدم منافع جمع و جامعه بر فرد و دلخواسته‌هایش نیست؛ مکتبی که به کار تنها از منظر اقتصاد و اقتصاد سیاسی نگاه نمی‌کند، بلکه به دنبال اقتصاد اجتماعی و اقتصاد روانی و زیبایی‌شناسی و اخلاق و تبلور دین‌داری در کار نیز هست» (فرهادی، ۱۳۹۰: ۶).

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

کتاب روضة العقول با وجود ارزش و اهمیت مؤسسه‌فانه چندان مورد نظر نویسنده‌گان و پژوهشگران نبوده و مقالات و کتاب‌های در ارتباط با این کتاب نوشته نشده است. آنچه نوشته شده نیز در ارتباط با موضوع این مقاله، یعنی اخلاق حرفه‌ای، نیست. برخی از این مقالات عبارت‌اند از:

- «بررسی مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و نگرش به زنان در کتاب‌های سیاست‌نامه، روضة العقول، سندبادنامه و فرائد السلوک» (جمالی و همکاران، ۱۴۰۰)؛
- «اتحاد دین و سیاست از نظرگاه روضة العقول (مرزبان‌نامه بزرگ ساسانی)» (جمالی و همکاران، ۱۳۹۸)؛
- «بررسی و مقایسه کیفیت آموزه‌های تعلیمی در حکایت "مناظرة دیو گاوپای با مرد دینی" از روضة العقول با حکایت "دیو گاوپای و دانای دینی" از مرزبان‌نامه» (حاجی‌پور، ۱۳۹۸).

درباره اخلاق حرفه‌ای در متون ادبی تحقیقات زیادی انجام نشده است و با توجه به بررسی انجام‌شده فقط می‌توان به مقاله «سنایی و اخلاق حرفه‌ای» (موسوی سیرجانی و منصوری، ۱۳۹۵) اشاره کرد که در آن، نویسنده‌گان به اخلاقی حرفه‌ای عرف‌آ و ابعاد گوناگون آن از دیدگاه سنایی در حدیقته الحقيقة پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که سنایی تأکید می‌کند که خداوند متعال برترین زیبایی و مشخص‌کننده ملاک نهایی اخلاق است. در این نظام روشی‌بخش، تقریب به خدا و کسب رضایت او، دستیابی به عدالت فراگیر اجتماعی، آزادی و حرمت انسان، آرمان اخلاق است. بیشترین سود برای بیشترین کسان نیز از جمله اهداف زندگی اجتماعی در ساحت‌های فردی، شغلی و اجتماعی است.

## ۱-۲. روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. معرفی کتاب روضة العقول

روضه العقول از جمله کتب فارسی است که از کلیله و دمنه تأثیر پذیرفته و در سال ۹۸۵ق محمد بن غازی ملطیوی، منشی و وزیر سلطان رکن الدین سلیمان بن قلچ ارسلان، از سلاجقه روم، آن را به نثر مصنوع نوشته است. اصل این کتاب به زبان طبری بوده است که سعدالدین وراوینی با نام مرزبان‌نامه و محمد بن غازی ملطیوی با نام روضه العقول آن را به فارسی دری ترجمه و بازنویسی کردند. این کتاب در سیزده باب نگارش شده است. در باب آغازین، نویسنده به القاب رکن الدین سلیمان‌شاه و به آغاز کار خاندان سلجوقی اشاره کرده و در باب دوم با عنوان «باب احوال من صنع هذا الكتاب» به شرح زندگی خود پرداخته است. یازده باب دیگر به بیان ۹۱ حکایت و داستان اختصاص دارد و مطالب آن از زبان آدمیان و وحوش و طیور و دیو و پری بیان شده است. در نگارش این کتاب تکلف و تصنیع بسیار مشهود است. استفاده فراوان از واژگان عربی ویژگی سبکی روضه العقول است که در مقایسه با کتاب‌های هم‌طراز آن بهویژه مرزبان‌نامه چشمگیر است. «ارزش واقعی این اثر، آنگاه آشکارتر خواهد شد که در کنار مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی قرار گیرد؛ چه از این طریق است که اهل تحقیق می‌توانند به میزان دخل و تصرفاتی که هرکدام از این دو منشی (سعدالدین وراوینی و محمد بن غازی ملطیوی) در اصل مرزبان‌نامه کرده‌اند، پی بردند» (نظری، ۱۳۷۹: ۱۳۶).

روضه العقول بنا به خواست ابوالفتح سلیمان‌شاه بن قلچ ارسلان بن مسعود بن قلچ ارسلان به نام او نوشته شده است. رکن الدین سلیمان‌شاه «بر شهر توقات و نواحی اطراف آن حکم می‌راند، علاوه بر گرامیداشت مقدم ادبی و فضلا، خود نیز طبع شعر داشت و اشعاری از وی باقی مانده است» (روستا، ۱۳۹۴: ۱۱۱). داستان‌هایی که در روضه العقول آمده، عرصه

ای برای بیان مسائل مختلف دینی، اخلاقی و اجتماعی است. نویسنده در این کتاب مانند کتاب‌های مشابه، نکات پندآموز اخلاقی را در قالب قصه ارائه کرده است.

## ۲-۲. اهمیت لشکر و لشکریان در روضة العقول

یکی از موضوعاتی که در روضة العقول بهروشی تبیین شده، جایگاه و اهمیت لشکر و نیروهای لشکری در حکومت و بین طبقات مختلف جامعه است. واژه لشکر و لشکریان با فراوانی ۱۴۰ در سراسر کتاب به کار رفته است.

نظام ممالک و امن رعیت و قوام حکومت و قهر اعادی و نصر موالی و دفع شر خصوم و منع تطاول اغیار، از مهم‌ترین کارکردهای لشکر است (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۵). در ایران، همواره لشکریان و نیروهای نظامی اهمیت بسیار داشته‌اند. موقعیت جغرافیایی ایران و وجود قدرت‌های بزرگ در همسایگی این کشور، اهمیت وجود این تشکیلات را توجیه می‌کند. پس از ورود اسلام به ایران هم بر اهمیت نیروهای نظامی تأکید شد. هر پادشاه باید شهری محکم و استوار داشته باشد که «اندر او درویش و کاهل نباشد بلکه از تجار متمول و اطبای حاذق و منجمان ماهر و لشکر شجاع با آلت و عدت تمام موشح بود» (همان: ۱۱۳). اجرای قوانین و برخورد با مخالفان بدون وجود لشکریان قدرتمند امکان‌پذیر نیست؛ در تأیید و تأکید بر این مهم در قسمت دیگری از کتاب آمده است: «گفته‌اند که کرم، شیمت فضلاست و شجاعت سیرت لشکریان و سخاوت عادت دهقانان و این طوایف در ملک حشمت زیادت گردانند و در پادشاهی نظام به کمال رسانند» (همان: ۱۳۱) و در ادامه، این سه طبقه را شریفترین خلائق گفته است. رجحان پادشاه بر پادشاه به کثرت لشکر و فروزنی اعوان و انصار اوست (همان: ۴۷۰). «نظام دولت و قوام حضرت به لشکر تعلق دارد» (همان: ۳۶۴).

اهمیت لشکر تا آنجاست که آن را از عوامل رجحان حکومت‌ها دانسته‌اند: «و پادشاه را که بر پادشاه رجحان باشد، به چهار چیز تواند بود: یکی آنکه به نفس خود شجاع عاقل و مبارز کامل بود؛ و دوم که به یمن رای و حسن تدبیر مشهور باشد؛ و سیم آنکه به کثرت لشکر و فروزنی انصار و اعوان موصوف بود؛ و چهارم به آلت و عدت» (همان: ۴۷۰).

وضعیت اقتصادی لشکریان و توجه و رسیدگی به معیشت آنان از جمله اموری است که در روضة العقول به آن توجه بسیار شده است. از آنجاکه بیشتر جنگجویان، سپاهیگری را

شغل و منبع درآمد خود می‌دانسته‌اند، توصیه‌های فراوانی برای رعایت حقوق مادی آن‌ها در کتب مختلف شده است. از قول انوشیروان در روضة العقول می‌خوانیم: «سلطنت به لشکر است و لشکر به مال و مال از عمارت ولایت و عمارت ولایت از کمال معدلت و وفور انصاف و شمول سیاست و اطلاع بر عجر و بجر رعایا» (همان: ۸۵). بر همین نکته باز هم تأکید شده است: «بدان که کثرت سپاه به مال تعلق دارد و مال به بندگان کافی و عمارت ولایت» (همان: ۴۷). همواره باید سهم بزرگی از ثروت و عایدات مملکت به امور لشکر و لشکریان اختصاص یابد «تا چون دشمن مستظر شود؛ و چون معاند معتقد گردد، به دفاین و خزاین شرار اشار از خود دفع کند؛ از آنکه تیغ پولاد به زره پولاد مدفوع شود، و از این سبب گفته‌اند: رد الحجر من حیث اتاك فان الشر لا يدفعه الا الشر» (همان: ۴۷۰). پادشاه همچون کشاورزی است که دانه را از جهت سود و زیادتی در زمین می‌پاشد نه از سر غرور و سرمستی؛ پس در توصیه به پادشاه گفته شده است که «چون وقت بذل و منایح لشکر آید، در آن به طبع و طوع سماحت را تقديم دار و سخاوت را امام ساز، از آنکه مال پادشاه را چون آلت است محترف را» (همان: ۱۰۹). وقتی لشکریان مطمئن باشند که خانواده‌شان از مال و امکانات کافی برخوردارند، مشغول خانه و خانواده نمی‌شوند و ناراحتی و دغدغه‌های مالی مانع تلاش آن‌ها در عرصه جنگ نمی‌گردد. تأمین مالی از اصلی‌ترین زمینه‌های اخلاق حرفه‌ای است؛ زیرا دغدغه معاش، زمینه‌های تحقق اخلاق حرفه‌ای را دشوار می‌کند. توجه به امور لشکر، فقط جنبه مالی و اقتصادی ندارد؛ گاهی لطف و عنایت پادشاه و فرمانده تنها کلامی و احساسی است: «اگر حالی در تشریف لشکر زیادتی تعطیف نرود و احساس ایشان را چنان‌که لایق حضرت جلت است تقديم نیفتد، به مناغات زبان و مراعات بیان ایشان را مرفه دار و مگذار که جهت علف در اطراف بلاد و تر جای دشمن متفرق شوند» (همان: ۱۰۹). بررسی عملکرد کارگزاران و نظارت دقیق و کامل بر کار و رفتار آنان، و حل معضلات و مشکلات آن‌ها، از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و پایدارکننده اخلاق حرفه‌ای به شمار می‌آید.

فرماندهان جنگ‌ها برای گردآوری و نظم و ترتیب سپاهیان خود نیاز به درایت و دانش دارند؛ زیرا تجهیزات نظامی در میدان جنگ بسیار مهم است. بنابراین ضرورت آگاهی با فنون

و مهارت سپاهداری و رعایت قواعد و ضوابط در این زمینه و نظم تجهیزات و همین‌طور ایجاد انگیزه در نیروی جنگجو و آماده ساختن شرایط جسمانی نیروها، تقویت روحیه و تشویق نیروها برای شرکت در جنگ و برقراری ارتباط مؤثر بین نیروها بسیار مورد توجه است. هر فرماندهای که از نقاط قوت و ضعف سپاهیانش بی‌خبر باشد، سرانجامی جز شکست ندارد. پادشاه که شوکت لشکر خود و صولت ایشان چنان‌که هست نداند، مانند آن است که از گربه صید آهو طلبد (همان: ۳۶۶). عرض دادن لشکر از جمله کارهای مهم پادشاه و فرماندهان است؛ زیرا عرض دادن: «منظم حال و مقوم احوال لشکر است، و تمدید اسباب را راید و تحریض عدد را محرض» (همان: ۱۲۰).

از دیگر لوازم اساسی و مهم لشکرداری که حائز اهمیت است، نظارت و ارزشیابی عادلانه و تشویق و ترفع زیردستان و خدم و حشم است. امام علی(ع) به مالک اشتر فرمود: «مبادا که نکوکار و بدکار در نزدت یکسان باشند، که آن رغبت نکوکار را در نیکی کم کند و بدکار را به بدی وادر نماید، و درباره هریک از آنان آن را عهده‌دار باش که او بر عهده خود گرفت» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در روضة العقول نیز آمده است: «هر که در مصاف مجروح گردد، در اندمال او جِد فرمای و هر که شجاعت کند، او را تبجیل کرامت کن و غرض او به نجاز رسان، و پیشانی مبارک از تجهم صیانت فرمای که عبوس پادشاه سبب تفرط طباع است. و به وقت حرکت لشکر را از مکامن دشمن نگاه دار» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۸۳).

مدارا کردن و توجه به زیردستان و سربازان نشان‌دهنده عقل و خرد سیاسی است. اگر زیردستان از پاداش و حقوق و عدالت برخوردار باشند، مملکت در امان می‌ماند. «لشکر را به ارعا و ارفاق نصیبی وافر و حظی متکا ثرا کرامت کنید و هریک را علی‌حده استمالت و استنامت ارزانی دارید که نظام ممالک و امن رعیت و قوام حضرت و قهر اعادی و نصر موالی و دفع شرّ خصوم و منع تطاول اغیار بدیشان تعلق دارد» (همان: ۳۵). وزیر کارдан و باکفایت نیز باید که «اقعام خزان و اعتاب لشکر و عمارت ولایت صیانت کند، نه آنکه ایسار پادشاه در اعسار لشکر داند، و ابتغای مرضات لشکر بر عمارت ولایت ترجیح نهد» (همان: ۹۲). به نظر فیلد مارشال مونتگمری، سربازان زمانی در بهترین حالت خود قرار می‌گیرند که از آنان خواسته شود با وضع دشوار مقابله نمایند. آن‌ها اگر بدانند که فرماندهشان برای بهبود

وضع هر کاری می‌کند، با بیشترین ناراحتی‌ها و محرومیت‌ها خواهد ساخت (ریچارد سون، ۱۳۶۵: ۵۱).

پادشاهان و فرماندهان به امور اقتصادی لشکریان باید آنچنان اهتمام داشته باشند که حد اعتدال را رعایت کنند؛ به گونه‌ای که آن‌ها از فقر و غنا و فراغ دور باشند؛ زیرا «عوز مکنت و بطر نعمت راید استکبار و مقدم تمرد است» (غازی ماطبیوی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). در روضة العقول بر این نکته اصرار شده است که لشکریان باید عزیز باشند نه متمول؛ زیرا «چون لشکر املاک و عقار سازند، دهقان طبع شوند و به وقت مصاف، همت بر هزیمت مصروف و نهمت بر فرار موقوف دارند، و نیز از آن تخریب ولایت و تعذیب رعیت حاصل شود» (همان: ۱۲۸). در دوران صلح و آرامش نیز لشکریان باید به خدمات دیگر مشغول باشند نه ثروت اندوزی؛ «اگر از مصارحت دشمن و مصادرت خصم فراغی باشد لشکر را بر خدمات دیگر تحریض دهی و نگذاری که املاک سازند و عقار و ضیاع خرنند و بدان مبهات نمایند؛ بلکه باید که افتخار به شجاعت و اجتهار به مبارزت کنند» (همان: ۱۱۸).

### ۲-۳. اخلاق حرفه‌ای لشکریان

#### ۳-۱. صلح طلبی و پیشی نگرفتن در جنگ

یکی از مسائل مورد نظر بشر در ادوار مختلف تاریخ، مسئله جنگ و صلح و برتری یکی بر دیگری است. خداوند متعال پیوسته مؤمنان را به صلح و رفتار مسالمت‌آمیز در برابر دشمنان دعوت کرده و از جنگ و قتال بر حذر داشته است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْحُنْهُمْ وَأَنَّوْكِلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۶۱)؛ (و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست).

امام علی(ع) نیز با تأکید فراوان بر کرامت انسانی، پیوسته همه انسان‌ها را به پرهیز از جنگ فرامی‌خواند: «وَ لَا تَدْفَعُنَ صُلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَذُولُكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضىٌ؛ فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَةً لِجُنُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبَلَادِكَ» (اگر دشمن، تو را به صلح فراخواند و خشنودی خدا در آن بود، آن را رد مکن؛ زیرا صلح مایه آسایش سپاهیان تو و راحتی خودت از اندوه‌ها و ایمنی سرزمین توست) (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در روضة العقول نیز پیشی گرفتن در جنگ مذموم دانسته شده است؛ جنگ فتنه‌ای است که پایان خوشی ندارد.

«مسابقت نمودن جهت مقاومت محمود نیست که محاربیت فتنه است و استقبال فتنه کردن عاقبت وخیم و خاتمت ذمیم دارد» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۶۵). در صلح فوایدی همچون حفظ قوای نظامی و آسایش فکر و فراغ بال آنان وجود دارد؛ به همین دلیل در باب شاه شیران با شاه پیلان، هنچ از مشاوران فیل شاه، او را از آغاز کردن جنگ علیه شیرشاه منع می‌کند و استمالت لشکر را مفیدتر از مناقشت بی‌وجه و مقاتلت بی‌فایده می‌داند (همان: ۳۵۱).

### ۳-۲-۲. داشتن تعهد و تخصص

تعهد عاملی است که سبب می‌شود فرد به دلیل انگیزه‌ای درونی و بدون وجود کترل‌کننده خارجی، به بهترین شکل ممکن کار خود را انجام دهد. تعهد داشتن به معنی «احترام به اخلاق و ارزش‌های حرفه‌ای و رعایت همگی و همیشگی آن‌ها و درک و رعایت اصول و رموز انسانی و حرفه‌ای است» (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). داشتن حس تعهد باعث می‌شود فرد خود را در قبال خود و اهدافش و نیز دیگران مسئول بداند؛ این امر موجب رفتار صادقانه‌تر و قابل اعتمادتر می‌شود.

تخصص در واقع، بیانگر مجموعه‌ای از معلومات، مهارت‌ها، دانش، اطلاعات و آگاهی‌ها و روزآمد کردن آن‌هاست که باعث بهره‌وری بیشتر و نتیجه‌گیری بهتر می‌شود (همان: ۱۳۷). تخصص و تعهد لازم و ملزم یکدیگرند. امام صادق(ع) فرموده‌اند: «كُلُّ ذِي صَنَاعَةٍ مُضطَرٌ إِلَى ثَلَاثٍ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكَسَبَ وَ هُوَ أَنْ يَكُونَ حَادِقًا بِعَمَلِهِ مُؤْدِيًّا لِلأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ» (هر صنعتگر از سه خصلت گزیر ندارد تا با آن‌ها کسبش را رونق بخشد: در کارش زبردست باشد، امانتدار باشد و نظر کارفرمای خود را [تأمین و] به خود جلب کند) (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۰: ۲۳۶).

در روضة العقول اطاعت و انقیاد لشکریان از پادشاه مصدق تعهد آنان است؛ با وجود لشکریانی مطیع و منقاد، پیروزی بر دشمنان آسان و حتمی خواهد بود: «هرگاه که لشکر خواطر را مغرس ولا و محظ هوای تو دارند و صلاح خود بر نجاح تو ترجیح ننهند، قهر دشمن به سهولت میسر گردد» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۷۶). یکی از سه شرطی که هنچ، مشاور فیل شاه، برای تسلط بر دشمن برمی‌شمارد، وجود لشکر «به شجاعت معروف و محاربیت را به طبع جویان و با خدوم خویش در سرا و ضرا موافق» است (همان: ۳۴۷). این

لشکریان همواره و همه‌جا یار و یاریگر فرمانده (پادشاه) هستند، در نظر آن‌ها رد و قبول و اعتنا و استنای پادشاه برابر است. آنان با صفع و رفع منافق و موافق نمی‌شوند و اعسار و ایسار را تحمل می‌کنند و اگر احسانی ببینند، منت دارند (همان: ۱۴۱). نظامیان متعهد کسانی هستند که در برابر وطن و هم‌وطنانشان نیز احساس مسئولیت می‌کنند و برای حفظ حریم آن‌ها در برابر حمله دشمن وارد عرصه کارزار می‌شوند. آنان در میدان جنگ برای صیانت از مرزهای کشور و دفاع از ناموسیان به دور از حیا و خشم آماده مقابله با دشمنان می‌شوند: «از بهر منشأ و مولد و تعصّب اطفال و عیال جهد مبذول دارید؛ و جهت نظام دولت و قضای حقوق نعمت و از بیم جلا و صعوبت تفرق اقیریا و خوف تجرع مرارت تشتت اودا و لسع خاطر از بعد اضراب و زهوق ضمیر از مقاومت اخوان و شین استحواز اراذل و تحمل تغطرف مشتی و غد ثبات را میان بندید و حیا و تفکر و خشم را از خاطر دور دارید» (همان: ۳۸۶). لشکریان باید جنگ را جنگ خودشان بدانند و خود را مسئول مستقیم دفع تجاوز دشمن تلقی کنند. این همان جنگ بدون تفکر است که در بالا به آن اشاره شد؛ همچنان‌که در قسمتی دیگر از کتاب می‌خوانیم: «محاربت دشمن و مكافحت اعدا هیچ‌کس از سر تفکر نکند الا از سر قوت دل و بسطت ذات» (همان: ۳۵۵).

از سوی دیگر لشکریان متعهد، در امور مربوط به خود متخصص نیز هستند. آن‌ها توان به کارگیری انواع سلاح را آموخته و مهابت سواری و قدرت پیادگی را تؤمنان دارند (همان: ۳۵۵). در روضة العقول با تأکید بر این نکته به پادشاه تذکر داده شده است: «باید که پادشاه لشکر خود را به کار بستن انواع سلاح ماهر گردانیده باشد تا به وقت کار، به هر سلاح که اختیار افتاد، کار کند» (همان: ۳۷۶). وجود تخصص باعث می‌شود که فرماندهان در توزیع نیروها با فراغ بال عمل کنند. هر گروه از لشکریان متناسب با مهارت و تخصص خود عهده دار وظیفه‌ای می‌شوند که مناسب و درخور آن‌هاست: «و باید که از لشکر طایفه‌ای که شجاعت موصوف و به حماست معروف باشند، مقام بر اطراف شهر سازند و هر روز به خدمت حضرت مباردت نمایند. و از ایشان بعضی باید که در حفظ خزانه و زرادخانه استبداد کنند و بعضی دیگر ملازم خدمت باشند. اما ایشان را باید که مقام محمود و محل مشهود

باشد و تغافل و تجاهل را از خود دور دارد» (همان: ۹۲). چنان‌که مشخص است در جملات مذکور، بر دو اصل تعهد و تخصص برای لشکریان تأکید شده است.

### ۳-۲-۳. صبر و استقامت و تحمل شدائد

در قرآن کریم آمده است: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مَا يَعْلَمُوا الْفَأَمْرُ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (انفال: ۸)؛ (اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفر غالب خواهند شد و اگر صد نفر بوده، بر هزار نفر از کافران غلبه خواهند کرد). در آیه دیگر آمده است: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۴۹)؛ (چه بسیار گروه اندکی که به یاری و اذن خدا بر گروه بسیاری غلبه کرده است و خداوند با صابران است). با تأمل در این آیات مشخص می‌شود که در جهاد با دشمن، تعداد نفرات اهمیت ندارد؛ بلکه ایمان به خدا و صبر در برابر مشکلات است که نتیجه را تضمین می‌کند. صبری که در جنگ مورد نظر است، صبر بر سختی‌ها و مصیبت‌ها و نداشتن اضطراب و پریشانی در مقابل آنها یا به تعبیر دیگر صبر بر مکروهات است. نقطه مقابل این صبر جزع و فزع و بسی قراری است. یکی از نتایج صبر آن است که نفس را از مسئولیت‌گریزی در برابر عقل و شرع باز داشته و آن را وادار به پاییندی به وظایفش می‌کند. به همین دلیل در روضة العقول تحمل سختی‌ها عامل پیروزی بر دشمن دانسته شده است: «بِدَانِيَدْ كَهْ دَشْمَنْ وَ قَمْعْ اَعْدَادْ اَزْ تَحْمِلْ شَدَائِدْ وَ ثَبُوتْ قَدْمَ وَ اَحْرَازْ مَصَالِحْ يِكْدِيَگَرْ دَرْ وَقْتْ شَدَتْ حَاصِلْ اَيْدِ» (همان: ۳۸۶)؛ این صبر متنج به شجاعت و ثبات قدم می‌شود. استقامت یا ثبات قدم از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی است که توأم شدن آن با صبر دستیابی به فتح و ظفر را میسر می‌کند. در قرآن هم ثبات قدم از مفاهیمی است که در ارتباط با استقامت و پایداری آمده است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهُ يُنْصُرُكُمْ وَيَبْشِّرُكُمْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ (اگر خدا را یاری کنید [یعنی دین و پیغمبر خدا را] خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گردداند). برای رسیدن به اهداف باید مناسب با آن سختی‌ها و مشکلات را تحمل کرد. دستیابی به آرامش و پیروزی بدون عبور از خطرات و دشواری‌ها ممکن نیست. یکی از نشانه‌های لشکر موافق صبر و برداری و تحمل نوائب و تجرع شوائب است (همان: ۳۷۵). به برخی از مصادیق صبر و برداری لشکریان در روضة العقول اشاره شده است: «تحمل شدائد

مجاعت و تکلف شدت تعب و اصطبار ظما و طاقت سهر و قدرت احتمال برودت هوا و زفره قیظ» (همان: ۳۵۵).

### ۳-۴. رعایت سلسله‌مراتب و اطاعت از مأفوّق

رعایت سلسله‌مراتب و اطاعت از آن از مهم‌ترین روش‌ها و اخلاق حرفه‌ای در بین لشکریان است. «سلسله‌مراتب گونه‌ای از چیدمان اجزا (اشیا، نام‌ها، ارزش‌ها، طبقه‌بندی‌ها و...) است که در آن هر کدام از اجزاء به‌شکل بالا و پایین و یا هم‌سطح اجزای دیگر نمایش داده می‌شوند» (رضایی و کریمی خویگانی، ۱۳۹۹: ۱۸۰). هرچه نظام و ارتباط اهداف و نگرش‌ها در بین اجزاء اسلسله‌مراتب منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، تصمیمات و عملیات هماهنگ بهتر و بیشتر شکل می‌گیرد. در امر لشکرداری تعیین فرمانده یکی از نکات مهم و دقیق است. «اگر همه لشکر تحت فرمان فرماندهی واحدی باشد و در کارزار، افسران و افراد به بهترین وجه از خود مایه بگذارند، برای مقاومت در برابر چنین لشکری، هیچ دشمنی کافی و نیرومند نیست» (جمالی و رستمی، ۱۳۸۰: ۲۸). در باب زیرک و زروی می‌خوانیم که چون زروی مورد عنایت زیرک قرار گرفت و از جانب او به رسالت و فرماندهی سبع درآمد، از زیرک خواست تا در ابتدا موقعیت و جایگاه او را تبیین و مستحبک نماید و خواسته‌اش را چنین بیان می‌کند: «چون مرا به جلباب توفیر تلغی نباشد و به لبس تبجیل تدرع نبود، میان لشکر مرا وقار ممکن نگردد. و هیچ‌کس به وقت اخبار اخبار و احکام احکام سخن مرا اслуша نکند و به جانب من التفات ننماید. بدین سبب مهمات مهمل گردد و اختلال به احوال راه یابد و چون کارها مختل شود، آن اذلال به عرض عزیز سرایت کند و بعد از آنکه تزلزل حضرت تضعض دولت شایع شد، دست تدارک به آن نرسد» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۰۱).

یکی از ویژگی‌هایی که باید فرماندهان به آن موصوف باشند، غرور نداشتن است (همان: ۱۱۸). ویژگی‌های دیگری برای فرماندهان بر شمرده شده است؛ از جمله: «شخصی باشد به شجاعت معروف و به حماست موصوف و به رای متین و فکر مبین مشهور، و در تانق و تنوق مذکور. واقف بر تعییه لشکر، قادر بر کروفر. مطلع بر وقت اقدام و احجام» (همان‌جا). در بخش دیگری از روضة العقول، حد و حدود فرماندهان و سرلشکران معین شده است: «چون او را بر لشکر سالار و در نیابت خویش اشتئار ارزانی داری، بنیان اعلای او چنان

مرصوص گردان که اوامر و نواهی او در مصالح دولت و مناظم مملکت از خوف تعفیر و بیم تعزیر تو، نه از تهدید و تشدید او بر اطلاق نفاذ یابد، تا لشکر شکر و شکایت او ممنوع و مؤثر داند و مكافایت تواضع و مجازات تخاضع خویش از تو توقع دارند» (همان: ۱۱۸). فرماندهی و فرمانبری لازم و ملزم‌اند. فرماندهان خوب نیازمند فرمانبران خوب هستند تا در اطاعت از مافوق خود چون و چرا نکنند؛ چنان‌که در روضة العقول آمده است: «نظام ملک در مشاورت امراست با یکدیگر تا تقریر نهضت و تمہید اقامت به استصواب یکدیگر کنند و لشکر را بر ایشان اعتراض و از اشارت ایشان اعراض نباشد» (همان: ۱۲۰).

از زمان‌های گذشته تاکنون لباس مردم در طبقات مختلف اجتماعی با یکدیگر تفاوت داشته است. پادشاهان، درباریان، نظامیان، روحانیون، دهقانان و اشار دیگر با پوشش خاص خود در جامعه ظاهر می‌شوند. به‌طورکلی، لباس و نوع تزین و پارچه آن عاملی برای تمایز میان سلسله‌مراتب اجتماعی افراد تلقی می‌شده است. و بلن معتقد است لباس ضرورتی اجتماعی است و لباس پوشیدن لازمه حضور در هر جمعی است. این ضرورت اجتماعی نماد جایگاه و سلسله‌مراتب اجتماعی فرد است (Warde, 2017: 35). بر همین اساس در روضة العقول می‌خوانیم: «پوشش پادشاه باید که به خلاف پوشش لشکر باشد، و کسوت لشکر به خلاف لبس رعیت» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

### ۳-۵. آگاهی و آمادگی در برابر دشمن

ارزیابی دشمن باید دقیق و واقعی باشد. هیچ دشمنی را باید خرد و حقیر و کم‌توجه به شمار آورد. به حکم عقل انسان باید همیشه و در هر حال مناسب با تجهیزات دشمن خود را مجهر نماید. آمادگی نظامی این امکان را ایجاد می‌کند که در هر زمان و مکان در برابر حملات احتمالی دشمنان آماده باشند. بیداری در برابر دشمن، وقت‌شناصی در جنگ و غافل نبودن از موقعیت دشمن، مصادیقی از آمادگی و تجهیز در برابر دشمن است که در روضة العقول به آن‌ها اشاره شده است: «نصر و ظفر و فوز و تأیید به تحفظ اوقات و صون هنگام منوط آمد و چنان‌که در مصالح خویش تیقظ شرط است، در مفاسد دشمن تنوق از مواجب باید شمرد، همچنان‌که شترنج باز که اگرچه همت بر بازی خویش مقصور می‌دارد، اما نهمت بر بازی خصم موکول گردداند» (همان: ۳۷۱).

ارکان لشکر عبارت‌اند از: میمنه، میسره، قلب سپاه و مقدمه و ساقه. ساقه قسمت انتهایی لشکر و محل نگهداری آذوقه و سلاح و مهمات لشکر است. به‌واقع چون این بخش از لشکر عهده‌دار تأمین نیازهای اساسی لشکریان بوده، اهمیت بسیاری داشته است. در روضة العقول در باب شاه شیران با شاه پیلان، روباه، مشاور شیر به او توصیه می‌کند که باید «ساقه لشکر به اصحاب حماست و ارباب فراست سپاری تا لشکر را از ایشان استظهار فراید» (همان: ۳۷۸). هنچ نیز به شاه فیلان درباره بیداری و تیقظ در این بخش از سپاه هشدار می‌دهد: «ساقه لشکر باید که مردم متیقظ باشند» (همان: ۳۸۳).

### ۳-۲-۶. یاریگری

تعاون، همکاری، همیاری و همدلی در بین لشکریان در عرصه کارزار بسیار بالهمیت و راهبردی است. امام علی(ع) در جنگ صفين به یارانش فرمود: «هریک از شما که هنگام روبه رو شدن و دیدار با دشمن، در دل خود احساس قوت قلب کند و از یکی از برادران خویش، ترس و ناتوانی ببیند، باید به فضیلت دلاوری خویش که از آن روی بر برادر خود برتری دارد، از برادر خود همان‌گونه دفاع کند که از نفس خویش دفاع می‌کند. اگر خدا می‌خواست او را نیز در دلیری مانند وی می‌آفرید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳). در روضة العقول با توجه به اهمیت این مسئله گفته شده است: «جای مصاف و موضع مطاف چنان باشد که جمله لشکر یکدیگر را صیانت توانند کرد و در تطهیر یکدیگر قیام توانند نمود و مشرف حال و راقب احوال یکدیگر توانند بودن» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۷۵). در باب شاه شیران با شاه پیلان هم شیر خطاب به لشکریانش چنین می‌گوید: «اول صلاح در صیانت خویش دانید، بعد از آن به دفع اذیت دشمن جد نمایید» (همان: ۳۸۶).

در تشکیل سپاه دو نظریه وجود دارد: نظریه اول ایجاد لشکر با ترکیب جمعیتی و قومی متنوع است که به عقیده صاحب‌نظران، باعث برقراری تعادل و ضامن حفظ وضعیت موجود است. در سیاست‌نامه می‌خوانیم: «چون لشکر همه از یک جنس باشند، از آن خطر خیزد و سخت‌کوش نباشند و تخلیط کنند. باید که از هر جنس، لشکر بود؛ چنان‌که دو هزار مرد دیلم و خراسانی باید که مقیم به درگاه باشند؛ آنچه هستند بدارند و باقی راست کنند. و اگر بعضی گرجیان باشند و شبانکاران پارس باشند، روا بود که دین چنین مردم همه نیک بود. عادت

سلطان محمود چنان بودی که از چند جنس لشکر داشتی، چون ترک و خراسانی و عرب و هندی و دیلمی و غوری» (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۴۴: ۱۱۹). براساس نظریه دوم یک جنس بودن سپاه موجب انسجام در فرماندهی و فرمانبری است و همدلی و همزبانی لشکریان را در پی دارد. در باب شاه شیران با شاه پیلان زنج، مشاور شاه فیلان، معتقد به یکدستی و ترکیبی نبودن لشکر است و در توجیه نظر خود می‌گوید: «در مصاف دل‌ها یکی گردد، اگرچه در مهمات دیگر مخالف باشند و نیز اگر یکی در میان افتد و دیگری به کنار سعی هر دو جهت صیانت یکدیگر باید دانست و از لشکری که در ایشان ملل مختلف و مذاهب فراوان و انواع حیوانات باشد، تظاهر و تظاهر ایشان ممکن نگردد؛ و لشکر ما یک نوع‌اند، تصون یکدیگر از فرایض دانند» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۵۵). چنان‌که ملاحظه می‌شود یاری و پشتیبانی لشکریان از یکدیگر از جمله مهم‌ترین عواملی است که یکدست بودن لشکر را توجیه می‌کند.

### ۷-۲-۳. وفاداری

دل‌بستگی، علاقه، عشق‌ورزی، انگیزه و روحیه حرفه‌ای باعث پویایی، شادابی، امیدواری، امیدآفرینی، بالندگی و برازنده‌گی می‌شود و بزرگ‌ترین نیروها را برای تحول در حرفه ایجاد می‌کند (ر.ک: قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). در امور لشکرداری تعارض ناشی از تحزب و چندستگی لشکر تعارض ساختاری را به دنبال دارد. این تعارض باعث گستاخانه‌یاند در لشکر و ناکارآمدی آن می‌شود. در چنین لشکری هر کدام از گروه‌ها اهداف و روش‌های خود را دنبال می‌کنند که این امر، اصول و اهداف اصلی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به همین سبب در روضه العقول یکی از اسباب نابودی حکومت «تحزب لشکر» گفته شده است (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۱۱۱) و یکی از وظایف پادشاه به عنوان فرمانده کل سپاه حفظ اتحاد و یکپارچگی در لشکر و از میان بردن اختلافات است و باید درباره این امر کاملاً محتاط باشد: «پادشاه از تغییر عوام و تحزب لشکر احتیاط کرد» (همان: ۱۰۳). لشکریان متعدد به فرمانده خود وفادارند و برای پیشبرد اهداف از پیش تعیین شده تا پای جان می‌کوشند.

### ۸-۲-۳. شجاعت

شجاعت را به معنای استقامت و اعتدال در قوه غضبیه دانسته‌اند؛ به این معنا که انسان تحت فرمان عقل از انحراف به دو سوی افراط یعنی تهور و تفریط یعنی ترس مصون باشد. براساس این تعریف انسان شجاع کسی است که در عین داشتن قدرت روحی و قوت دل، خشم و غصب خود را با نیروی عقل مهار می‌کند (ابن‌مسکویه، بی‌تا، ج: ۱، ۱۲۰). شجاعت در کنار حکمت، عدالت و عفت از فضایل چهارگانه اخلاقی است که شایسته است همه انسان‌ها به آن متخلق باشند. اما میدان نبرد با دشمن بهترین صحنه‌ای است که شجاع را از ترسو می‌نمایاند؛ به همین دلیل یکی از صفاتی که لشکریان باید بدان آراسته باشند شجاعت است؛ چنان‌که در روضة العقول می‌خوانیم: «قوت بی‌جرئت و حسن بی‌ملاحت و شجاعت بی‌مجاهدت و نسب بی‌فضیلت مفید نیست» (غازی ملطیوی، ۹۳: ۱۳۸۳). در این کتاب بارها صفت شجاع در کنار نام لشکر استفاده شده است: «اندر او درویش و کاهل نباشد؛ بلکه از تجار متمول و اطبای حاذق و منجمان ماهر و لشکر شجاع با آلت و عدت تمام موشح بود» (همان: ۱۱۳؛ نیز ر.ک: ۱۳۱، ۳۴۷، ۳۵۹، ۳۸۴).

### ۳-۲-۹. پرهیز از شبیخون زدن

مرزبندی‌های رزمی و جوانمردی از جمله اخلاق حرفه‌ای نیروهای نظامی است. نیروهای نظامی باید بدانند چرا نبرد می‌کنند و نباید از موازین اخلاقی سریعچی کنند و از حیلتهای ناجوانمردانه مانند شبیخون زدن که به صورت ناگهانی بر دشمن حمله می‌شود پرهیزنند. شبیخون به معنای شبخون است و آن تاخت بردن باشد بر سر دشمن چنان‌که غافل و بی‌خبر باشد (برهان قاطع: ذیل واژه).

هر چند شبیخون یک شیوه راهبردی در جنگ محسوب می‌شود، چندان مقبول و پسندیده نیست. «نکته جالبی که از سروده‌های حماسی برمی‌آید، این است که بیشتر حماسه‌سرایان شبیخون را عملی ناجوانمردانه و ناپسند می‌دانند» (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در روضة العقول گفته شده شبیخون زدن دستاویز انسان‌های ناتوان و ضعیف است: «شبیخون تمسک عاجزان است، و هجوم در تاریکی شب عروء ضعیفان» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۳۶۷). این نظر نشان‌دهنده باور ایرانیان باستان و یادآور ابیات زیر است:

**شبیخون بود پیشۀ بدلال ازین نتگ دارند جنگی یلان**

(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۵۳)

شیخون نه کردار مردان بود

کسی کو بلا جست، گرد آن بود

کسی کو گراید به گرز گران

شیخون نسازند گندآوران

(فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۹۱)

فرخی سیستانی در مدح مسعود غزنوی سروده است:

از شیخون و کمین نگ آید او را روز جنگ	دوست دارد جنگ لیکن بی شیخون و کمین
--------------------------------------	------------------------------------

(فرخی سیستانی، ۱۴۰۰: ۱۳۵)

### ۳-۱۰. پرهیز از غارت

هرچند در روزگاران گذشته غنیمت و غارت یکی از انگیزه‌های اصلی برای جنگ بوده است، همواره سفارش‌هایی درباره منع تعرض به اموال غیرنظامیان و رعایت حقوق مالی آنها در متون دینی و غیردینی دیده می‌شود. در آیه ۹۴ سوره نسا آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَمُولُوا لِمَنِ الْفَقيرُ إِلَيْكُمُ السَّلامُ لَسْتُ مُؤْمِنًا تَبَيَّنُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنَّمَا اللَّهُ مَعَانِيمُ كَثِيرٍ كَذَلِكَ كُتُّسْمَ مِنْ قَبْلِ فَمَنِ اللَّهُ عَلَيْكُمُ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (ای اهل ایمان، چون در راه خدا [برای جهاد با کفار] بیرون روید [در کار دشمن] تحقیق و جستجو کنید و به آن کس که اظهار اسلام کند و به شما سر تسلیم فرود آورد نسبت کفر مذهبید تا [مال و جانش را بر خود حلال کنید و] از متعاق ناچیز دنیا چیزی غنیمت برید، که غنایم بی شمار نزد خدادست. اسلام شما هم اول امر همچنین اظهار و تسلیمی بیش نبود تا وقتی که خدا بر شما منت گذاشت، پس اکنون باید تحقیق کنید که خدا به هر چه کنید آگاه است).

دقت در این آیه نشان می‌دهد که انگیزه مادی نباید عامل ایجاد جنگ باشد. در روضه العقول ضمن آنکه پادشاه به رعایت حقوق مردم در جنگ فراخوانده شده، عواب شوم و حشیگری و تحریب و تحریف یادآور شده است: «هر پادشاه که به استیحاش لشکر و تحریب ولایت و تحریف فضلا و تعنیف امثال و قبح سیرت راضی شد، روزگار به اندک مدت صورت نباخت و نقش رفاهت از صحیفه اقبال او محو گرداند» (غازی ملطیوی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). درباره غارت نیز شیر در باب شاه شیران با شاه پیلان، با صراحة لشکریان خود را از

آن بر حذر داشته شده است: «از نهب و غارت تحریر نمایید، که بسیار فترت سبب غارت افتاده است» (همان: ۳۸۶). بدین ترتیب مشخص است که آنچه در روضة العقول تأکید شده کاملاً اخلاق‌گرایست و حقوق مردمان بهویژه غیرنظامیان مغلوب در آن لحاظ شده که عاقبت بی‌توجهی به آن وخیم و جبران‌نشدنی است.

### ۳. نتیجه‌گیری

گرایش به ارزش‌های اخلاقی در نهاد آدمی وجود دارد. متون ادب فارسی با توجه به این گرایش فطری و اصیل گنجینه‌ای سرشار از اخلاقیات محسوب می‌شوند و روضة العقول، کتاب منشور قرن ششم، از جمله آن‌هاست. روضة العقول اثری داستانی با محتوای اندرزی و تعلیمی است. این کتاب در ردیف مرزبان‌نامه و کلیله و دمنه از نظر داستان‌پردازی و بیان مسائل اخلاقی و اندرزی قرار می‌گیرد. بررسی این کتاب نشان می‌دهد که لشکریان جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در حکومت و بین طبقات مختلف جامعه داشته‌اند و بر رسیدگی به امور آنان بسیار تأکید شده است. از سوی دیگر، برخورداری از صفات اخلاقی به عنوان عاملی اساسی در بهبود عملکرد لشکریان در این کتاب به شکل برجسته‌ای مورد توجه قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان داد اخلاق حرفه‌ای لشکریان در روضة العقول دارای نه مؤلفه اساسی است که عبارت‌اند از: صلح طلبی و پیشی نگرفتن در جنگ، داشتن تعهد و تخصص، صبر و استقامت و تحمل شدائد، رعایت سلسله‌مراتب و اطاعت از مافوق، آگاهی و آمادگی در برابر دشمن، یاریگری، وفاداری، شجاعت، پرهیز از شبیخون زدن و پرهیز از غارت.

### منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۵۸). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: جمهوری.
۲. نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه علی دشتی. قم: مشهور.
۳. اسدی طوسی، علی بن احمد. (۱۳۵۴). گرشاسب‌نامه. به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: کتابخانه طهوری.

۴. ابن مسکویه، احمد بن محمد. (بی‌تا). *تهذیب الاخلاق*. بیروت: مکتبه الثقافة الدينية.
۵. برهان، محمدحسین بن خلف. (۱۳۹۱). *برهان قاطع*. تصحیح محمد معین. تهران: امیرکبیر.
۶. جمالی، شهرورز، ولیان، لیلا، و صادقی شهپر، رضا. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و نگرش به زنان در کتاب‌های سیاست‌نامه، روضة العقول، سندبادنامه و فرائد السلوک. *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، شماره ۵۹، ۱۴۰۰\_۱۵۷.
۷. جمالی، شهرورز، ولیان، لیلا، و صادقی شهپر، رضا. (۱۳۹۸). اتحاد دین و سیاست از نظر گاه روضة العقول (مرزبان‌نامه بزرگ ساسانی). *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۳۶، ۲۲\_۱.
۸. جمالی، علی‌اصغر، و رستمی، محمود. (۱۳۸۰). *تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ*. تهران: نشر امام علی(ع).
۹. حاجی‌پور، حبیب. (۱۳۹۸). بررسی و مقایسه کیفیت آموزه‌های تعلیمی در حکایت «مناظرة دیو گاوپای با مرد دینی» از روضة العقول با حکایت «دیو گاوپای و دانای دینی» از مرزبان‌نامه. *جستارنامه ادبیات تطبیقی*، شماره ۹، ۷۵\_۱۰۰.
۱۰. حسن‌زاده، محمدحسین. (۱۳۹۰). شبیخون در شاهنامه. *فصلنامه کاوش‌نامه*، ۱۲(۲۲)، ۱۰۵\_۱۳۰.
۱۱. حسینیان، سیمین. (۱۳۹۹). *اخلاق حرفه‌ای در مشاوره*. تهران: کمال تربیت.
۱۲. خواجه نظام الملک. (۱۳۴۴). *سیاست‌نامه*. تصحیح مرتضی مدرسی چهاردهی. تهران: زوار.
۱۳. رضایی، صادق، و کریمی خویگانی، روح‌الله. (۱۳۸۰). نگرشی تحلیلی به چرایی سلسه مراتب و اطاعت‌پذیری در آموزش‌های نظامی. *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۲۲\_۱۷۵(۳)، ۲۰۳.
۱۴. روستا، جمشید. (۱۳۹۴). بررسی زمینه‌های تاریخی ورود زبان و ادب فارسی به قلمرو سلاجقه روم. *نشریه ادب و زبان*، ۱۸(۳۷)، ۱۰۳\_۱۲۶.
۱۵. ریچارد سون، اف. ام. (۱۳۶۵). *روحیه جنگی؛ عوامل روانی در جنگ*. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: دانشگاه امام حسین(ع).

۱۶. زمانی فریزهندی، منوچه. (۱۳۸۱). اخلاق کارگزاران اسلامی و تطبیق آن با اخلاق کارگزاران سیستم بانکی. *فصلنامه بانک صادرات ایران*, ۲۰(۴)، ۷۶۷۰.
۱۷. ژکس. (۱۳۵۵). *فلسفه اخلاق: حکمت عملی*. ترجمه ابوالقاسم پورحسینی. تهران: سیمرغ.
۱۸. غازی ملطیوی، محمد بن غازی. (۱۳۸۳). *روضه العقول*. تصحیح محمد روشن و ابوالقاسم جلیلپور. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۹. فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ. (۱۴۰۰). *دیوان*. تصحیح محمد دبیرسیاقي. تهران: زوار.
۲۰. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). *شاهنامه* براساس چاپ مسکو. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
۲۱. فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۰). کار در فتوت‌نامه‌ها (مرا نامه‌های صنفی - طریق‌تی، خودانگیخته و خودپذیرفتۀ پیشه‌وران ایرانی). *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*, ۳۶۱(۸).
۲۲. قراملکی، احمد فرامرز. (۱۳۸۸). *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*. چ. ۲. تهران: انتشارات سرآمد.
۲۳. ماکسول، جان. (بی‌تا). *اخلاق حرفه‌ای در مدیریت*. ترجمه شمس آفاق یاوری. بی‌جا: بی‌نا.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳). *ترجمۀ بحار الانوار*. ج. ۴۰. تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی‌عصر(عج).
۲۵. موسوی سیرجانی، سهیلا، و منصوری، مهدیه. (۱۳۹۵). سنایی و اخلاق حرفه‌ای. *ادیبات عرفانی و اسطوره‌شناسی* (زبان و ادبیات فارسی), ۱۲(۴۲)، ۲۵۷-۳۰۰.
۲۶. نظری، جلیل. (۱۳۷۹). آثار ادبی پارسی در روم شرقی تا قرن هفتم. *مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه*, شماره ۳۹-۲۸.
۲۷. نوری، حسین. (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل البيت الحیاء الترااث.

26. Warde, A. (2017). **Consumption: A Sociological Analysis**. London, UK: Palgrave Macmillan.